

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۷ می ۲۰۱۱

تجارت خون "آی.اس.آی"

با

"سی.آی.ای" و "تیم های مرگ" کودک کش آن

۱

از شام یکشنبه گذشته، یعنی دقیق از آخرین ساعات تاریخ اول ماه می بدین سو، رسانه های خبری امپریالیستی که به حق بدان قوه چهارم را نام گذاشته اند، بدون استثناء با بوق و سرنا می کوشند جنایت رهنانه، تروریستی و دهشتناکی را که در خاک کشور دیگری انجام داده اند، با هزار حيله ونیرنگ تبلیغاتی نه تنها از قبح و ماهیت تروریستی آن بکاهند، بلکه آنرا تا سرحد یک حرکت قابل تقدیس به خورد مردم بدهند. این حرکت که چیزی نیست به غیر از کشتن و یا ربودن مردی زیر عنوان "بن لادن"، از همان نخستین ساعت های بخش آن خبر، آگاهانه در لا به لای دروغ های هدف مند و فریبکارانه تقدیم خوانندگان و مردم جهان می گردد، تو گوئی همه هوش و ذکاوت خود را از دست داده و شعور شان تا سرحد پذیرش این اراجیف ته کشیده است.

آنها با آن که خود می دانند که دروغ می گویند و این را هم می دانند که خلقهای جهان نیز بر دروغ گوئی آنها وقوف کامل دارد، باز هم به دروغ پردازی های شان ادامه می دهند. چنانچه :

همه به یاد داریم که خانم "هیلاری کلینتن" از موضع وزیر خارجه امپریالیزم جنایت گستر امریکا، ضمن مصاحبه ای به صراحت ابراز داشت که ما بدین موفقیت دست نمی یافتیم، اگر پای کمکهای بی شائبه و گسترده دولت پاکستان در میان نمی بود و همزمان با آن گفته می شود که یک ساعت قبل از آغاز عملیات، دولت پاکستان در جریان یک جلسه اضطراری مقامات ذیصلاح را در جریان آن امر قرار داده است و یا این که در جریان عمل از طرف یک تن از افراد حاضر در "هیئت آباد"، ضمن آن که جریان عملیات به صورت زنده گزارش داده می شود، از نقش دولت پاکستان که دستور خاموش کردن چراغها و خارج نشدن از خانه ها را به باشندگان آنجا به صورت اکید کوشزد می کرد، گزارش می گردد، مقامات پاکستان کوشش می نمایند قسمی وانمود نمایند که گویا از آن حرکت هیچ اطلاعی نداشته و مسؤولیتی را در قبال فروش فرد مزبور و به خون کشیده شدن وی نداشته است.

تمام این کلاشی ها که در نفس خود توهین به میزان هوش و ذکاوت خلقهای سراسر جهان است ایجاب می نماید، تا به این قضیه اندکی مکث بیشتر صورت گرفته، ضمن آن که در حد توان ابهامات آن برداشته می شود، و به پرسش چرائی و چونی آن پاسخ داده می شود، نتایج و عواقب آن بر افغانستان، منطقه و جهان نیرمورد غور قرار گیرد. اما قبل از هر آغازی لازم است این دو تذکر را گوشزد نمایم:

۱- تمام تحلیل ها، اگر و مگرها، مناقشه ها و بررسی احتمالات گوناگون در صورتی از اعتبار در مورد بن لادن برخوردار است که بپذیریم اساساً "بن لادن" وجود داشته و آن جنایتکار طی این ده سال زنده بوده است. در غیر آن باید بیشتر خود را روی چرائی خلقت چنین دروغ بزرگی متمرکز ساخت.

۲- از آن جایی که این قلم را اعتقاد بر آنست که هر دو طرف دعوا یعنی "بن لادن" با تمام شاخ و پنجه های آن در باند "القاعده" و "امپریالیزم جنایت گستر امریکا" با تمام اعوان و انصار آن اعم از داخلی و یا خارجی، همه و بدون استثناء باز هم همه، نه تنها دشمنان مردم و سرزمین ما هستند بلکه دشمن بهروزی و ایجاد جامعه انسانی در سطح تمام جهان اند، لذا طی این نوشته بار ها و به دفعات این امکان به وجود خواهد که در جایی و قسمتی جنایت و دهشت افکنی این و در جای دیگری قساوت و بیرحمی آن دیگری، تبارز بیشتر یابد؛ لذا از همین آغاز قید می نمایم که همان طوری که افشای جنایات "بن لادن" و باندش را کسی حق ندارد و نباید به معنی دفاع از "امپریالیزم" توجیه نماید به همان سان افشای جنایات "امپریالیزم جنایت گستر امریکا" و شرکاء را در سطح کشور، منطقه و جهان نباید به معنی پشتیبانی از "بن لادن" و باندش تلقی نموده، موضع این قلم را که از همان آغاز تجاوز امپریالیزم و رویارویی آن با دست پروردگانش در افغانستان، در تقابل با هر دو طرف قرار داشته، توطئه گرانه تخطئه نماید.

به خاطر انسجام نوشته و به منظور آن که از ابهام و پراکندگی های اجباری که رسانه های رسمی می خواهند بر فضاء حاکم سازند، جلوگیری نموده باشم، بحث خویش را به چند قسمت منقسم ساخته، بخش اول آن را اختصاص می دهم به برخی نکاتی که می توان از آنها به مثابه مسلمات و نکات انکار ناپذیر یاددهانی نمود:

به مثابه یک تذکر باید افزود، هرچند در جریان نوشته طبق معمول نمی خواهم ذهن خواننده را با دادن مآخذ پیهم به منظور اقناع وی پراکنده سازم، مگر تمام نکاتی که در این نوشته تذکار می یابند مستند بوده هریک از خوانندگانی که خواسته باشد در آن باره بیشتر تحقیق نماید، این امکان وجود دارد تا مآخذ ادعا ها را برایش به صورت مستقیم ارسال نمایم.

اول – مسلمات:

۱- با آن که امپریالیزم جنایت گستر امریکا و شرکای جنایتکار آن در اقصا نقاط جهان اعم از اروپا، شرق میانه و شرق دور در آغاز تجاوز گستاخانه و رهنانه سوسیال امپریالیزم شوروی بر میهن ما، افغانستان را از دست رفته دانسته و در بهترین صورت با صراحت ابراز می داشتند که پیشروی شوروی را به طرف خلیج فارس و رسیدن به آبهای گرم تحمل نخواهند کرد، مگر به مرور زمان وقتی خیزش پرخروش و طوفان آسای خلق ما را در پیکار کبیر میهنی شان مشاهده نمودند، خلاف یک عده از عناصر خود فروخته که امروز هویت وابسته آنها به امپریالیزم امریکا اظهار من الشمس گردیده و تا آخرین روز دوام تجاوز شوروی زیر چتر تئوری خایانه "جنگ دو ابر قدرت" خیزش آزادیخواه خلق ما را تخطئه نموده و از دور بر فرزندان راستین کشور پارس می نمودند، امپریالیزم امریکا و شرکاء به استناد گفته ستراتیژیست های نامدار آنها از قماش "کسینجر" و امثال وی، آوردگاه افغانستان را بهترین

مکان برای یک رویارویی غیر مستقیم و انتقام جویانه با حریف دانسته، تلاش به عمل آوردند تا به هر شکل ممکن حریف را در این رزمگاه خونین به چهارمیخ تاریخ بکشند.

۲- برای انجام این مأمول، از آن جایی که حریف زورمندی چون شوروی آنروز را در مقابل خود می دیدند که تا دندان مسلح و هیچ ترسی از گسترش میدان جنگ را به خود راه نمی داد، کشور های امپریالیستی و در رأس همه امپریالیزم جنایت گستر امریکا با مزدوران بی مقدار منطقه ئی آن از قماش دولت نظامی و ارتجاعی پاکستان و ارتجاع اسلامی عربستان سعودی، تلاش ورزیدند تا ضمن آن که خود را در قضایا بی غرض نشان می دهند، به وسیله نهاد های استخباراتی شان از سراسر جهان نوکران وابسته به امپریالیزم را در عوض سرباز مزدور جمع آوری نموده به افغانستان گسیل دارند.

آنها با این عمل خویش از یک طرف می کوشیدند تا ماهیت و محتوای نبرد آزادیخواهانه مردم ما را در بیراهه های "انقلاب اسلامی" و "جمهوری اسلامی" سوق دهند، از طرف دیگر حریف زور مند شان را در کوهپایه های هندوکش، بابا و سلیمان میخکوب نمایند و از همه مهمتر برای فردا های دور تر یک ارتش مزدور، جنگ آزموده و از خود گذر را به وجود بیاورند که در هر کشمکشی بتواند، کفه ترازو را به نفع غرب سنگین تر نماید.

۳- "بن لادن" یک تن از هزاران جنگجویی بود که در این مسیر آگاهانه- خاستگاه طبقاتی اش بیشتر بر آگاهانه عمل کردن وی دلالت می نماید- و یا نا آگاهانه با میانجی گری "المخابرات العامه" عربستان سعودی و استخبارات نظامی پاکستان "آی. اس. آی"، به منجلا ب همکاری با "سی. آی. ای" و غیر مستقیم موساد اسرائیل کشانیده شد.

۴- از ۱۹۸۰ الی ۱۹۹۲ که آخرین مزدور روس قدرت را به همپالگی هایش طی یک روندخاصی تسلیم می نماید، "بن لادن" به مثابه نزدیکترین و معتمد ترین متحد و عامل "آی. اس. آی"، "المخابرات العامه" عربستان سعودی و "سی. آی. ای" در قبال قضایای افغانستان نقش بازی نموده در واقع دست دراز امپریالیزم غرب و ارتجاع منطقه در افغانستان به شمار می رفت.

۵- طی آن مدت نه تنها با هزاران وسیله کوشش به عمل آورد تا خیلی از رسوا ترین و جنایتکارترین افراد را به کمک نهاد های استخباراتی یاد شده از سراسر جهان داخل افغانستان جمع نماید و با بذل پول و به کار انداختن تیغ جلا د، هر نوع آزادیخواهی را در افغانستان به مثابه کفر تبلیغ نماید، بلکه با تدویر هزاران مدرسه مذهبی و اعزام لجام گسیخته فرزندان میهنمان در آن ظلمتکده ها، نسل آینده فرزندان این میهن را از جهانی که در آن زیست می نمودند بیگانه ساخته، ۱۴ قرن به عقب بکشاند.

۶- در تمام مدت اقامت در پاکستان، با تربیت و پرورش باند های تروریستی، آن کشور را برای نیروهای آزادیخواه و انقلابی افغانستان به جهنم دیگری مبدل سازد که آن مردم مجبور باشند به مانند افغانستان و ایران در پاکستان نیز مخفیانه زندگی نمایند. مگر این که نهاد هائی از قماش "کمیته اتریش" می بایست در پیوند با "سی. آی. ای" و "آی. اس. آی" قرار می داشتند تا از تعقیب و ترور مصون می ماندند.

۷- امپریالیزم جنایت گستر امریکا با شرکاء، متحدان و مزدوران منطقه ئی آن، به اعتبار "بن لادن" و باندش، به ده ها هزار راکت از سکر ۲۰ و سکر ۳۰ گرفته، تا ستیگر، توپهای بی پس لگد، انواع هاوان به خصوص هاوان غرنی که ظرفیت تخریب در در دخل سنگر را نیز دارا بود، و صد ها نوع سلاح خفیف و ثقیل دیگر، و میلیونها عد ماین را به افغانستان گسیل داشتند تا ضمن آن که مقاومت خودجوش و آزادیخواهانه مردم را در جریان یک روند طولانی به منجلا ب وابستگی و انقیاد جدید می کشانند، به ده ها هزار انسان در بند افغان را که هیچ گناهی به جز ناتوانی در برآمدن از افغانستان نداشتند، طعمه مرگ ساخته سیل خون آنها را جاری نماید.

۸- کشتار وحشیانه و ددمنشانه حین حمله بر جلال آباد و تصرف خوست در زمان حاکمیت نجیب این آخرین مزدور آشکار روس، کار نامه سیاه دیگریست که "بن لادن" و باندش در داخل افغانستان از خود به یادگار گذاشتند. این باند "بن لادن" بود که در همان اولین مرحله جنگ، ۳۰۰ تن از سربازان ارتش دولت وابسته به روس را که به امید مبارزه علیه نوکران روس از سنگر هایشان برآمده بودند و آزادانه و بدون اجبار خود را به آن افراد تسلیم نموده بودند، زیر نام بهره مند شدن از ثواب غازی شدن، شنیعانه در جلال آباد سر بریدند. عملی که زمینه ای شد برای مقاومت سایرین و قبول شکست افتضاح آمیز مهاجمان.

۹- با خریدن افراد سست عنصر و بی مایه و تشویق آنها به "اسلامیزه" ساختن مقاومت ضد روسی، جبهات مقاومت ضد امپریالیستی را به خاک و خون کشانیده، گویا از آن طریق می خواستند دروازه های بهشت را بر افراد جنایتکار خویش بکشایند. چنانچه در نابودی جبهات "ساما" و کشتن افراد آن در "کوه صافی" - در همکاری با حزب اسلامی خالص و جمعیت اسلامی ربانی - مسعود؛ "پغمان" در همکاری با باند "سیاف"؛ "قندوز و اندراب" در همکاری با شورای نظار و هم چنین در قتل عام صد ها تن از افراد سازمانهای دیگر دست "بن لادن" و باندش تا مرفق به خون نیروهای انقلابی افغانستان سرخ می باشد.

۱۰- از تمویل گرفته تا همکاری نظامی - تسلیحاتی برای طالب و به قدرت رسانیدن آنها.

۱۱- دامن زدن به بردارکشی و ایجاد جنگ شیعه و سنی در افغانستان با وجود آن که روسها در تمام دوران حاکمیت خود بدان دست نیافته بودند، یکی دیگر از جنایاتیست که "بن لادن" و باندش در افغانستان مرتکب شدند. این آنها بودند که با فتوا های برخاسته از دامن ننگین "وهابیت"، اهل تسنن افغانستان را به کشتن شیعه مذهب های آنجا تحریک نموده؛ دریا های خون را در یکاولنگ، بامیان و مزار شریف به راه انداختند.

۱۲- این "بن لادن" و باندش بود که آگاهانه یا نا آگاهانه چرخ خشونت، عقب گرایی و زن ستیزی را که غرب به همان بهانه تجاوزش بر افغانستان را موجه جلوه می دهد، به دوران انداخته با آوردن بیش از ۲۵ هزار انسان نا انسان از سراسر کره زمین و سپردن تیغ تعصب، جهالت و انتقام به دست آنها برای حدود یک دهه میهن ما را به چنان گورستانی مبدل ساختند، که می شود گفت: زندگان بر مردگان حسرت می بردند.

۱۳- این "بن لادن" و باندش بود که به تأسی از فتوا های چند سلفی و وهابی، افغانستان را "دارالحرب" اعلام داشته، نه زن مانندند برای مردم نه فرزند و نه تاک و یا باغی، هر آنچه را قابل غارت بود، بردند و آنچه را نمی توانستند، بی باکانه تخریب نموده به آتش کشیدند.

۱۴- در تمام این حدود ده سالی که از مخفی شدن "بن لادن" - به فرض آن که زنده بوده باشد - می گذرد، "آی. اس. آی" نه تنها از مخفیگاه وی اطلاع داشته است، بلکه همان طوری در در این روز ها به اثبات رسید، خود برایش جای امنی را تدارک دیده بود که هیچ نیروئی را توان ضرر رسانیدن به او نبود.

۱۵- ...

ادامه دارد